



وحشت دشمنان از تمدن جدید اسلامی باعث گسترش اسلام‌هراسی است/ شکل‌گیری جنگ سرد نوین فرهنگی

معاون آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مراسم رونمایی از کتاب «اسلام‌هراسی در غرب» گفت: با توجه به گسترش امواج بیداری اسلامی و مطرح شدن تمدن نوین اسلامی بر پایه خردورزی، اخلاق و علم‌گرایی احساس می‌شود نوعی بازخیزی در اسلام در حال شکل‌گیری است.

معاون آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مراسم رونمایی از کتاب «اسلام‌هراسی در غرب» گفت: با توجه به گسترش امواج بیداری اسلامی و مطرح شدن تمدن نوین اسلامی بر پایه خردورزی، اخلاق و علم‌گرایی احساس می‌شود نوعی بازخیزی در اسلام در حال شکل‌گیری است. دکتر محمدرضا دهشیری، معاون آموزشی و پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مراسم رونمایی از کتاب اخیرش با عنوان «اسلام‌هراسی در غرب» گفت: این کتاب با این انگیزه نوشته شد که خبرگزاری مهر برگزار شد، طی سخنانی به انگیزه‌های خود در نگارش کتاب اشاره کرد و گفت: این کتاب با این انگیزه نوشته شد که عده‌ای بیان می‌کردند اسلام‌هراسی توهمی بیش نیست و این مسئله واقعیت ندارد که غرب برای معرفی چهره‌ای خشن و افراطی و ایجاد وحشت در مغرب زمین در مورد مسلمانان تلاش می‌کند. اما طی تحقیقاتی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم که نه تنها این مسئله توهم نیست بلکه یک حرکت سامان‌یافته و برنامه‌ریزی شده است که بنیانهای خاص خود را دارد و حامیان مالی قدرتمندی دارد و رسانه‌های خاصی به جریان‌سازی در این رابطه می‌پردازند و سیاستمداران مشهوری به این جریان دامن می‌زنند که به نظر آمد که لااقل برای جامعه دانشگاهی و نخبگان علمی و فرهنگی کشور لازم است این جریان به نحو مطلوب شناسانده شود.

وی افزود: گرچه واژه اسلام‌هراسی از 1997 در ادبیات روابط بین‌الملل وارد شد اما در قبل از آن نیز وجود داشت. منتهی علت اینکه این ادبیات بیشتر نمود پیدا کرد به تحولات پس از جنگ سرد برمی‌گردد یعنی پس از فروپاشی شوروی، آمریکا و غرب تلاش کردند به یافتن دشمن فرضی و موهوم جدیدی بپردازند چون اساس هویت غربی بر دگرسازی استوار است؛ تلاش آنها برای اثبات خود از طریق تبیین دیدگاه‌های خود نیست بلکه از طریق نفی دیگران است و بر این تلاش کردند که غرب یک جامعه متمدن پیشرفته و مسالمت‌گرا است که در مقابل یک جریان غیرمتمدن، افراطی و عقب‌مانده به مقابله برخاسته و این مسئله ناشی از این بود که آنها یک احساس خطر از رشد جمعیت مسلمانان در اروپا و اهتمام به اسلام‌گرایی در خاورمیانه داشتند و در عین حال شاهد این بودند که برخی از تنشها میان خرده فرهنگهای اسلامی و غربی در جریان است.

دهشیری تأکید کرد: به نظر من پس از پایان جنگ سرد، نوعی جنگ سرد نوین فرهنگی شکل گرفت؛ یعنی اگر در دوران جنگ سرد شاهد نوعی تقابل ایدئولوژیک بودیم، بعد از جنگ سرد در دوران پس از فروپاشی شوروی شاهد نوعی تقابل فرهنگی بین جهان اسلام و جهان غرب شدیم و این مسئله به ویژه بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001 شدت گرفت؛ غرب تلاش کرد به موج اسلام‌هراسی بیشتر دامن بزند و بین اسلام و تروریسم پیوند برقرار کند به گونه‌ای که با کوبیدن بر طبل فضای رادیکال و متهم کردن اسلام به افراطی‌گری به نوعی دشمن اصلی خود را اسلام جلوه دهد که مروج ترور و خشونت هست و این مسئله نه تنها در میان رسانه‌ها و امپریالیسم رسانه‌ای غرب رواج پیدا کرد بلکه آنچه که در فرانسه از آن به اسلام‌هراسی نخبه‌گرا و آکادمیک از آن تعبیر می‌شود به آن هم دامن زدند، یعنی اسلام‌هراسی تنها در میان عوام نیست بلکه تلاش کردند اسلام‌هراسی را در میان نخبگان رواج دهند لذا معتقدم که غرب به نوعی دوگانه‌انگاری دست زد تا بتواند از طریق نفی اسلام و اسلام‌گرایی به اثبات هویت خود بپردازد. مفهوم جنگ نوین فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد که ما وارد یک فضای جدیدی شدیم و جنگ سرد خاتمه پیدا نکرده است.

وی با اشاره به اینکه یکی از ریشه‌های اسلام‌هراسی به بحث‌های مستشرقین برمی‌گردد که اساس بحث آنها غرب محوری بود و شرق را پیرامون آن می‌دیدند، تصریح کرد: آنها سعی کردند با دو انگاره نگاری بین غرب و شرق؛ غرب را محور توسعه یافتگی و شرق را عقب‌مانده و متحجر و افراطی معرفی کردند و این فضا سازی از شرق و جامعه اسلامی توسط مستشرقین در اذهان غربی‌ها رسوخ پیدا کرد که «اسلام‌هراسی» به خوبی این مسئله را مطرح می‌کند و بعد از جنگ سرد، آنها دگرسازی را در کنار اهریمن سازی تلفیق دادند و چهره خشن و افراطی از اسلام ارائه دادند.

وی با تأکید بر اینکه در حال حاضر مناظره پنجمی در روابط بین الملل در حال شکل گیری است که از آن می توانم به «#تقابل بین تفکر سکولار و تفکر دین گرا؛ تعبیر کنیم؛ تصریح کرد: تاکنون 4 مناظره در روابط بین الملل شکل گرفته است؛ مناظره اول بین واقع گرایی و آرمان گرایی بود؛ مناظره دوم بین نولیبرالیسم و نواقع گرایی بود؛ مناظره سوم بین مدرنیسم و پست مدرنیسم و مناظره چهارم بین ساختارگرایی و پساساختارگرایی بود که به نظرم مناظره پنجمی در حال شکل گیری است که این مسئله را مطرح می کند که آیا «#دین؛ در روابط بین الملل تأثیری دارد یا خیر؟ در چنین فضایی عده ای سخن از مادیگرایی و سکولاریسم به میان می آورند و عده ای دیگر معتقدند دین و معنویت گرایی و اخلاق توان نقش آفرینی در روابط بین الملل دارد.

وی با بیان اینکه اخیراً کتابی با عنوان «#نظریه های غیرغربی در روابط بین الملل؛ ترجمه شده است که به تفاسیری غیرغربی در حوزه بین الملل اشاره دارد که بر دین گرایی و دین باوری استوار است، اظهار کرد: به ویژه در آغاز هزاره سوم و شکل گیری دین و طالبان مشاهده می شود جریان دین باور و اخلاق مدار رو به رشد است. با توجه به این واقعیت بود که ما احساس می کنیم غرب درصدد انحراف اذهان دین داران به سوی شکل خاصی از اسلام است که آنرا به صورت دشمن موهوم و فرضی جلوه دهد البته برخی در میان مسلمانان به ویژه تکفیرگرایان به این فضا دامن زدند و متأسفانه آنها را به عنوان نمود اسلام غیرمتمدن مطرح کردند و سعی کردند این تصویر را به سایر مسلمانان و اسلام تعمیم دهند و به همین دلیل است که گهگاه اسلام هراسی در میان نخبگان دانشگاهی در غرب نوعی باورمندی در مورد اسلام هراسی وجود دارد.

وی تصریح کرد: با توجه به گسترش امواج بیداری اسلامی و مطرح شدن تمدن نوین اسلامی بر پایه خردورزی، اخلاق و علم گرایی احساس می شود نوعی بازخیزی در اسلام در حال شکل گیری است و این احساس خطر باعث شده است؛ که حامیان مالی اسلام هراسی و سازمانهای مرتبط و رسانه های حامی این جریان بیشتر در صدد تخریب چهره اسلام برآیند و در این زمینه در این کتاب هم تبیین کردم که چگونه این سازمانها تلاش دارند تا اینکه به حمایت مالی بپردازند. در مورد اسلام هراسی، محدودیتهای حقوقی و شهروندی علیه مسلمانان در غرب ایجاد کنند و به نوعی افکار عمومی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی غرب را با ارائه یک تصویر نادرست از اسلام منحرف کنند و یک تفکر سطحی را دامن بزنند که به نوعی بر جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان استوار است. واقعیت این است که آمارهای غربی نشان می دهد که افراط گراییها و خشونتگراییها در جامعه غرب بیش از همه توسط غیر مسلمانان انجام می شود. میزان خشونتهایی که توسط مسلمانان صورت گرفته بسیار اندک است ولی متأسفانه به همان تعداد محدودی که مسلمانان به خشونت دست زدند همان را بیشتر دامن می زنند و گرنه آمار خلاف این را ثابت می کند.

عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل با اشاره به اینکه حتی آمارها بیانگر این است که خود مسلمانان نقش عمده ای در جلوگیری از حرکات خشونت آمیز و افراط گراییانه در غرب داشتند، بیان کرد: مثلاً حادثه تروریستی میدان تایمز در شهر نیویورک توسط یک مسلمان خنثی شد. این مسائل گویای این است که مسلمانان نه تنها توجهی به مقابله با غرب نداشتند بلکه بسیاری از این حملاتی که از سوی مسلمانان صورت گرفته است خود مسلمانان را هدف قرار داده است نه غربیان را؛ یعنی نوعی برادرکشی را در غرب می بینیم و علیه غربی ها نبوده و در واقع یک نوع اختلافات درون تمدنی بوده است نه اختلاف اسلام با غرب و این مسائل را با آمار و ارقام در کتاب آورده ام.

وی افزود: این اقدامات رسانه ای در غرب نسبت به اسلام این است که نوعی انحراف اذهان از حرکات انتقادی علیه جامعه غرب است و غرب دو مشکل عمده دارد: یکی نظامی گری فزاینده و دیگری شکافهای اقتصادی که در اثر فرایند جهانی شدن رخ داده موجب شده

است جریان نومحافظه کار به مسئله اسلام هراسی، دامن بزنند که این جریان تنها در آمریکا نیست بلکه در اروپا نیز هستند که با امکانات و ابزارهای مختلف به این تحرکات دامن می زنند و سعی می کنند که یک چهره بنیادگرا و انعطاف ناپذیر از اسلام و یک چهره خشن و تروریستی از مسلمانان ارائه دهند که این تصویری نادرست است.

وی با تأکید بر اینکه جمعیت مسلمانان در غرب رو به افزایش است، گفت: به رغم تلاش غرب در اسلام هراسی شمار مسلمانان در غرب رو به افزایش است و حتی در کشورهای لائیک مثل فرانسه یک نوع گرایش به معنویت و دین رو به افزایش است و این مسئله گویای این است که فشارها و آزار و اذیتها و کنترل‌های امنیتی علیه مسلمانان نتیجه عکس داده است. پیشنهاد من در پایان بحث این بوده است که گروه های ذی نفوذ و تشکلهای اسلامی تشکیل شود تا مسلمانان بتوانند مشارکت مؤثری در صحنه سیاست و احقاق حقوق خود در غرب داشته باشند و از شبکه های مجازی و نیز دیگر رسانه ها و ابزارهای ارتباطی برای پیام رسانی جذاب و ارائه چهره صلح طلب از اسلام استفاده کنند و من معتقدم که باید به تصویرسازی درست از اسلام بپردازیم. همچنین در واژگانی که به کار می بریم دقت بیشتری داشته باشیم یعنی اصطلاحات رادیکال نباشد و اصطلاحات اسلام عقلانی را باز نمود دهیم و در عین حال سعی کنیم به شفاف سازی واقعیات بپردازیم تا بتوانیم تمام حرکات مبتنی بر فریب و دروغ را خنثی کنیم. چون برخی از کشورها از به کار بردن واژه اسلام هراسی پرهیز دارند در سازمانهای بین المللی در کنار آن واژه های مسیحیت هراسی هم به کار برده شود تا این مسئله جا بیفتد.

وی در مورد نقش بیداری اسلامی در اسلام هراسی گفت: بیداری اسلامی دارای فازهای مختلفی بود. در ابتدا به نوعی وضعیت اسلام هراسی را کم کرد به دلیل اینکه احساس کردند عربها که از آنها به عنوان افراد عقب مانده ای تعبیر می شد این توان را دارند که موج دموکراسی خواهی به راه بیندازند و برای اولین بار عربها به حرکات مسالمت آمیز برای تغییرات دموکراسی خواهانه دست زدند و برای غربی ها در آغاز این تفکر ایجاد شد که ما شاید ذهنیت اشتباهی از جامعه عرب داشتیم اما به تدریج با روی کار آمدن اخوان المسلمین در مصر و فضا گرفتن سلفی های تندرو و به انحراف کشیده شده این حرکات اسلام خواهانه به رغم اینکه این حرکات حرکتی بود که نشان داد اسلام و دموکراسی دو روی یک سکه هستند اما عملاً اقداماتی که مسلمانان هم علیه یکدیگر انجام دادند و هم اقداماتی نظیر حمله به سفارت آمریکا و سفارت رژیم صهیونیستی و آتش زدن پرچم آنها و ... تصویرهای خشونت آمیزی که در رسانه ها مخابره شد به این رسیدند که مسلمانان، همان افراد افراطی و خشنی هستند که ما می پنداشتیم.